



# خلاصه مذاکرات سومین گردهمایی کتابداران و دانشجویان نابینا



این جلسه در تاریخ ۷۳/۹/۲۸ با حضور ۲۵ شرکت کننده نابینا و کتابداران و کارشناسان بهزیستی از ساعت ۲ الی ۶ بعد از ظهر در محل مجتمع توانبخشی نابینایان خزانه تشکیل شد. در قسمت اول، آقای صادق پور، مدیر مجتمع در مورد اهداف مجتمع، ضرورت تولید مواد اطلاعاتی برای نیمه بینایان (LOW VISION) و فعالیتهای آتی گروه نابینایی دانشگاه علوم بهزیستی؛ خانم انصاری در مورد اطلاعات و اطلاع رسانی به نابینایان در انگلستان و معرفی سه اثر از انتشارات سازمان مشاور فنی و مهندسی شهر تهران در رابطه با معلولین، خانم قزل ایاقی در مورد ضرورت علاقه مند کردن دانشجویان به تولید نوارهای گویا، آقای مهندس مجید جراح در مورد مشکلات فعلی استفاده از کامپیوتر برای نابینایان، و آقای جمالی در مورد امکانات اطلاع رسانی انجمن نابینایان صحبت کردند. همچنین، بخش تبادل نظر از ساعت ۳/۵ تا ۵/۵ به طول انجامید.

برداشت کلی از مباحث مطرح شده به این شرح است:

۱. این طور به نظر می رسد که مؤسسات مختلفی کار با کامپیوتر را شروع کرده اند، ولی هنوز راه زیادی در پیش است و هیچ کدام کاری مؤثر را برای نابینایان ایرانی عرضه نکرده اند.

۲. شاید وحدت و همکاری میان مؤسسات بتواند مفید باشد، ولی شرکتها با هم رقابت دارند؛ بنابراین باید باز هم صبر کرد. امیدوارم آقای

مهندس جراح در جمع ما بمانند و اطلاعات دقیق را به ما برسانند.

۳. موضوع نیمه بینایی (LOW VISION) بسیار مهم است و متأسفانه تاکنون مورد توجه قرار نگرفته است. بسیاری از نابینایان در حقیقت نیمه بینا هستند و با کمک ذره بینهای قوی می توانند بخوانند، ولی در هیچ یک از کتابخانه های دانشگاهی، چنین امکاناتی برای نابینایان وجود ندارد.

۴. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد، انتشار کتابهای درسی و غیر درسی با حروف درشت است. با استفاده از تکنولوژی جدید هم می توان حروف را به اندازه های مختلف بر روی حروف درشت کرد. ضمناً با دید کم می توان به کامپیوتر هم مسلط شد که این مورد واقعاً رهگشاست.

۵. دستور جلسه چه بود؟ مگر قرار نبود درباره خواننده ها و چگونگی دستیابی به اطلاعات صحبت کنیم؟

۶. مشکلات ما همه در رابطه با خواندن و چگونگی دستیابی به اطلاعات است. اخیراً هفته کتاب بود. اعصاب ما خراب شد، حتی یک مورد هم کسی به کتاب برای نابینایان اشاره نکرد.

۷. من چند اثر جالب خوانده ام. از جمله «کاخ تنهایی» و «تاریخ موسیقی ایران». بد نیست در مورد غلطهای فراوان کتابهای بریل هم اشاره ای بشود و این که چه باید کرد.

۸. نابینایانی که حروف بینایی را نمی شناسند، تفاوت بین حروف هم صدا را به آسانی تشخیص نمی دهند مثلاً اسیر با ع نوشته می شود و تفاوتی بین «ذاکر» و «ظاهر» و «زشت» دیده نمی شود.

۹. مشکل در نحوه آموزش بریل در دوران دبستان است، حالا در دانشگاه باعث تأسف است که نوشته های ما دارای غلطهای املائی باشد. فکر می کنم باید به گونه ای حروف متفاوت در یک کلمه را به صورت یک فهرست در آخر کتابهای بریل نشان داد.

۱۰. آموزش حروف بینایی هم زمینه ای دیگری است که باید مورد توجه قرار گیرد. کارگاههای حسی - لمسی می تواند راهگشا باشد.

۱۱. خواندن هم بسیار مهم است. باعث می شود که واژگان ما غنی تر گردد. همین نکته در مورد شنیدن نوارهای گویا هم صادق است. تمرین شنیدن و تبدیل شنیده به بریل آزمون خوبی برای محک زدن کیفیت املائی ماست.

۱۲. به همین دلیل است که کتابهای ما نیاز به ویراستاری دارد. البته کار ویراستاری مهم است؛ ولی اگر سطح سواد کسانی که به بریل می نویسند از کودکی مورد توجه و تأکید قرار گیرد و بسیاری از نابینایان کم سواد باز نیابند، نیاز به ویراستار هم کمتر خواهد شد.

۱۳. موضوع ویرایش به عنوان کار، برای بسیاری از ما که متأسفانه از دید جامعه کاری، جز پاسخ گفتن به تلفن برایمان فراهم نیست هم حایز اهمیت است. اصلاً خوب است یکی از جلسات آینده را به موضوع کار برای نایبانیان اختصاص دهیم.

۱۴. آقای عبدالحسین آذرنگ هم قول داده‌اند درباره برابری فرصتها صحبتی داشته باشند. خوب است دوستان بدانند که ایشان هم کتابدار هستند.

۱۵. نایبانیان زیادی آرزو دارند در آزمون سراسری موفق شوند، ولی بیشتر اینها با مشکل در اختیار نداشتن تستها روبرو هستند. بسیاری از شما از کارشناسی هم گذشته به کارشناسی ارشد رسیده‌اید. چه می‌شود که هرکس تست دارد و علاقه‌مند کمک به دیگران است، تستهای خود را در اختیار دیگران بگذارد؟ شاید بتوان نقش فعالتری را از سازمان به‌زیستی توقع داشت.

۱۶. وضع ما هم که توانستیم به دانشگاه وارد شویم بسیار بد است. هرچه داریم از خانواده و دوستان است. هیچ کتابخانه دانشگاهی خود را در قبال نایبانی که تازه وارد دانشگاه شده، مسئول نمی‌داند. قبول دارم که متن بسیاری از درسها هر سال عوض می‌شود، ولی دروسی مثل معارف اسلامی هم به صورت نوار در اختیار ما نیست.

۱۷. می‌خواستم از دانشجویان سالهای بالاتر خواهش کنم، منابع خود را به صورت اهدا یا امانت در اختیار فرزندان ما که تازه وارد دانشگاه شده‌اند بگذارند.

۱۸. قبول دارم که توجه دانشگاه به مباحث اطلاع‌رسانی به نایبانیان بسیار کم است. ظاهراً فعالیت جدیدی در این زمینه در دانشکده ادبیات دانشگاه اصفهان آغاز شده است.

۱۹. دوستان به یک نکته توجه داشته باشند و آن تأکید بر حضور کتابدار در این گونه فعالیتهاست. اطلاع‌رسانی تخصص می‌خواهد و برنامه‌ریزی درست.

۲۰. همه ما از مشکلات واقعا وحشتناک سالهای اول تحصیل در دانشگاه گذشته‌ایم. امواجی است که باید با تمام وجود با آن جنگید، ولی قرار ما بر این بود که ورای کتابهای درسی به مطالب خواندنی این زمان در حوزه سیاست، تاریخ، فلسفه و ادبیات بپردازیم.



است. از مجتمع خزانه سپاسگزارم که این دستگاه را به من امانت می‌دهد. باید تعداد بیشتری پرکینز باشد تا همه ما بتوانیم با سهولت از آن استفاده کنیم.

۲۵. کار چاپ آثار بریل از سال ۱۳۰۴ در ایران آغاز شد. اوج تبدیل آثار به بریل به حدود سالهای ۱۳۵۰ برمی‌گردد. از سال ۱۳۵۸ به بعد توجه سازمان یافته‌ای نسبت به تبدیل آثار به چشم نمی‌خورد. این که بدانیم چه درصد از انتشارات کشور، یا چه موضوعهایی باید برای پاسخگویی به نیازهای نایبانیان به بریل تبدیل گردد، احتیاج به بررسی جامعی دارد.

۲۶. بنده مجدداً آنچه را در جلسه قبل گفتیم تکرار می‌کنم. دانشجوی عمران هستم، به نظرم می‌رسد که باید تقسیم کار کرد و تولید کتاب بریل یا نوار در موضوعهای مختلف را بر عهده دانشکده‌های مربوط گذاشت.

۲۷. چنین فکری نیاز به برنامه‌ریزی جامع دارد و این کاری است که هنوز در هیچ زمینه‌ای یادنگرفته‌ایم.

۲۸. می‌خواستم به موضوع تکثیر آثار موجود و حلق آثار نو اشاره کنم. کتابخانه عمومی حسینیه ارشاد با تأسیس بخش نایبانیان کار بسیار با ارزشی را شروع کرده است و خبر امانت از طریق پست هم بسیار امیدوارکننده است. اما من نگران این هستم که به جای تولید آثار جدید، آثار موجود، مثلاً در مجموعه رودکی را مجدداً تکثیر کنند. این آثار را ما که کتابخوان هستیم می‌شناسیم و می‌توانیم با مراجعه به رودکی به دست بیآوریم. سیاست توسعه مجموعه دربخش نایبانیان حسینیه ارشاد باید در جهت تولید آثار جدید و تکمیل مجموعه رودکی باشد.

۲۹. در یکی از جلسات آینده، باید باهم طرحی را در مورد تبدیل منظم آثار به گویا یا بریل قلمی کنیم. این "باید، بایدها" فایده ندارد. لطفاً همه در این مورد فکر کنید.

۳۰. من اصلاً قبول ندارم که جلسه بدون تأکید بر اهمیت آموزش زبان و اشاره به نیاز میرم مابه فرهنگ انگلیسی - فارسی خاتمه پیدا کنند. امیدوارم، همکاران ما در انجمن نایبانیان هم تهیه این فرهنگ را مورد توجه خاص قرار دهند.

۲۱. قبل از اینکه بحث قبلی را رها کنیم، اجازه می‌خواهم به دو کمبود اساسی اشاره کنم: یکی نداشتن ضبط صوت خوب و دیگری نداشتن نوار. وضع دانشجوی نایبنا در میان راه بین به‌زیستی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی مشخص نیست. هر کدام ما را به دیگری پاس می‌دهد و قبول مسئولیت نمی‌کند. نوار هم بسیار گران است. ضبطهایی که امروز به ما می‌دهند، دارای کیفیت خوبی نیست. بهترین ضبطهایی را که من تجربه کرده‌ام فلیپس است.

۲۲. باز هم تأکید می‌کنم آنچه برای دانشجویان نایبنا حایز اهمیت است، امکان استفاده از کتابها و مقاله‌های جدید است، در این مورد چه باید کرد؟

۲۳. در اول جلسه به خط بریل اشاره شد. یکی از مشکلات اساسی، نداشتن قانون مدون برای این خط است. به خاطر آموزش ضعیف غلطهای املائی فراوانی در این متون وجود دارد.

۲۴. یکی از راههایی که ما بتوانیم به غلطهای املائی خود غلبه کنیم، شنیدن و نوشتن است. می‌خواهم به دشواری دستیابی به ماشین پرکینز اشاره کنم. این وسیله، که حیات فرهنگی ما تا حدود زیادی به آن بستگی دارد، نایاب و گران